

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سيزدهم جمادى الاولى ۱۴۴۵ مطابق با ۱۴۰۲/۹/۶

شهادت صديقه طاهره (سلام الله عليها)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ
وَابْنِهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا احاطَ بِهِ عِلْمُكَ

نشناخته توصیف مقامش نکنید

از فاطمه اکتفا به نامش نکنید

علامه اگر هست سلامش نکنید

هر کس که در او محبت زهرا نیست

حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: «أَمَّا وَ اللَّهِ لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ لَمَا اخْتَلَفَ فِي
اللَّهِ اثْنَانِ وَ لَوَرَّثَهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ وَ خَلَفٌ بَعْدَ خَلَفٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا النَّاسِغُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ وَ لَكِنْ قَدَّمُوا
مَنْ آخَرَهُ اللَّهُ وَ آخَرُوا مَنْ قَدَّمَهُ اللَّهُ حَتَّى إِذَا أَلْحَدُوا الْمُبْعُوثَ وَ أَوْدَعُوهُ الْجَدَثَ الْمَجْدُوثَ اخْتَارُوا بِشَهَوَتِهِمْ وَ
عَمِلُوا بِأَرَائِهِمْ ... - قسم به خدا! اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از عترت رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم اطاعت می نمودند، دو نفر هم [درباره حکم خداوند] با یکدیگر اختلاف نمی کردند و
امامت [همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی فرمود]، از علی علیه السلام تا
حضرت قائم علیه السلام فرزند نهم امام حسین علیه السلام، از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می
رسید؛ اما [افسوس] کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خدا او را
مقدم داشت. ره آورد بعثت را انکار کردند و به بدعت ها روی آوردند. آنها هواپرستی و شهوت را
برگزیدند و بر اساس رأی و نظر شخصی عمل کردند. هلاکت و نابودی بر آنان باد. آیا نشنیدند کلام خدا
را که فرمود: «پروردگار تو خلق می کند آنچه را که می خواهد و اختیار می کند و برای آنان اختیاری
نیست. آری، شنیدند؛ اما همان گونه که خداوند فرمود: «دیدید بصیرت آنها کور و چشم دل آنها بی نور
است. افسوس که سران سقیفه آرزوها و هوس های خود را تحقق بخشیدند و از مرگ و قیامت غافل
ماندند. خدا نابودشان گرداند و آنان را در کارهایشان گمراه کند. ای پروردگار! من به تو پناه می برم از
کمی یاران پس از پیروزی و فراوانی آنان.» (غایة المرام، ص ۹۶ و ۹۷، ح ۳۹)

موضوع تدبر:

اظهارات صديقه طاهره برای پیروان و دوستداران آن حضرت چه پیامی دارد و از آنها چه می‌خواهد؟

پاسخ اجمالی:

با استناد به سخنان و سیره بی‌بی دو عالم فاطمه زهرا (س) فهمیده می‌شود آن حضرت می‌خواهد به
شیعیان خود بفهماند که در راه دفاع از اسلام و آنچه حق است باید به معرفی فضایل قرآن و عترت
بپردازند و وقایع تاریخ اسلام مانند احادیث غدیر، منزلت و... را یادآوری نمایند. ماهیت اسلام را با آنچه
که به ارمغان آورده به خصوص در مقایسه با عصر جاهلیت گوش زد کنند. به شبهات شبهه افکنان پاسخ

دهند. تحلیل درستی از وقایع و اتفاقات جریانات فتنه ارائه نمایند. نتایج عدم اطاعت پذیری از ولایت و بی بصیرتی را فاش و آشکارا فریاد کنند و افشاگری عالمانه از ستمکاری های سران فتنه و افشای خیانت پیمان شکنان را سرلوحه برنامه های خود قرار دهند و به طور عملی برخورد قاطعانه داشته باشند و دیگر اقداماتی که در پاسخ تفصیلی به ذکر آن ها می پردازیم.

پاسخ تفصیلی :

حضرت زهرا علیها السلام با بیانات بصیرت آفرین و تذکرات روشنگرانه به تبیین و توضیح این موضوعات اهتمام فوق العاده و جدی داشت:

بیان فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام: فاطمه سلام الله علیها وقتی افراد نادان مدینه زبان به سرزنش از امام خود گشوده بودند فرمود: «وَهُوَ الْإِمَامُ الرَّبَّانِيُّ وَالْهَيْكَلُ النَّوْرَانِيُّ، قُطْبُ الْأَقْطَابِ وَسُلَالَةُ الْأَطْيَابِ النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ وَأَبُو بَنِيهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ الَّذِينَ هُمَا رِيحَانَتِي رَسُولِ اللَّهِ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ- عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامِ اِمَامِي رَبَّانِي وَالْهَي، وَ هَيْكَلِي نَوْرَانِي وَ مَرَكَزِ تَوْجِهٍ تَمَامِ عَارِفَانِ وَ خَدَائِرِ سِتَانِ وَ فِرْزَنْدِي اَزْ خَانْدَانِ پَاكَانِ، نَقْطَةُ دَائِرَةِ اِمَامَتِ وَ مَحْوَرِ اَصْلِي اِمَامَتِ، وَ پِدَرِ حَسَنِ وَ حُسَيْنِ، دُو دَسْتِه گِلِ پِيَامْبِرِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمِ وَ دُو بَزْرَگِ وَ سِرْوَرِ جَوَانَانِ اَهْلِ بَهْشْتِ اسْت.» (نهج الحیة، محمد دشتی، ص ۴۴، ح ۲۰)

و نیز در فضایل حضرت امیر فرمود: «پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه مشرکان، آتش جنگ برافروختند، خدا خاموش کرد، یا هرگاه شاخ شیطان سر برآورد، یا ازدهایی از مشرکین دهان باز کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برادرش علی بن ابی طالب علیه السلام را در کام ازدها و شعله های فتنه ها افکند، و علی علیه السلام هم باز نمی گشت؛ مگر آنکه سرکشان را پایمال شجاعت خود می گردانید، و آتش آنها را با آب شمشیرش خاموش می کرد، علی علیه السلام! جهادگر در راه خدا، کوششگر خستگی ناپذیر در امر خدا، نزدیک و خویشاوند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، سید و بزرگی از اولیای خدا، همواره دامن به کمر زده، نصیحت کننده، و تلاش کننده در راه خدا است، در آن روزهایی که شما مردم در رفاه و آسایش بودید در راه خدا از سرزنش کنندگان پروایی نداشت.» (نهج الحیة، ص ۴۶، ح ۲۱)

فرمود: «أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مُحَمَّدٌ وَ عَلَى يُقِيمَانِ أَوْدَهُمْ وَ يُنْقِذَانِهِمْ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا وَ يُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَافَقُوهُمَا- محمد و علی علیهما السلام دو پدر این امت می باشند، کجی ها را راست و انحرافات را اصلاح می نمایند، اگر مردم ایشان را اطاعت کنند، این دو آنها را از عذاب جاویدان نجات می دهند، و اگر مردم با ایشان موافق و همراه باشند، این دو، نعمت های پایدار خداوندی را ارزانی شان می دارند.» (نهج الحیة، ص ۳۶، ح ۱۵)

بیان فضایل قرآن و عترت: صدیقه طاهره علیها السلام فرمود: «وَ نَحْنُ وَسَيَلَّتْهُ فِي خَلْقِهِ وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ - ما اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وسیله ارتباط خدا با مخلوقاتیم و ما برگزیدگان خدا و جایگاه پاکی هاییم و ما دلیل های روشن خدا و وارث پیامبران الهی هستیم.» (نهج الحیة، ص ۳۵، ح ۱۳)

همچنین فرمود: «... وَمَعَنَا كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ، وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُكَشِّفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُتَجَلِّيةٌ ظَوَاهِرُهُ، ...- شما ای بندگان خدا! که پرچمداران امر و نهی خدایید، و

حاملان دین و وحی می باشید، امانت داران حق، و رسانندگان آن به خلق هستید، بدانید که امام به حق، خود در میان شماست، و اطاعت او پیمانی است که از پیش با شما گرفته اند، و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جانشینی است که برای شما باقی مانده و کتاب ناطق خدا با ما اهل بیت است. قرآن راستگو، نور فروزان و شعاع درخشان، که بیان و استدلال های آن روشن، و اسرار و باطن آن آشکار است، ظاهر آن جلوه گر، و پیروان آن زبانزد جهانیان. پیروی قرآن انسان را به بهشت می کشاند، سخن شنوی از آن به نجات می انجامد. به وسیله قرآن به حجت های نورانی خدا، و واجبات تفسیر شده، و محرمات نهی شده، و استدلال های جلوه گر، و براهین کامل هدایتگر، و فضایل پسندیده، و مستحبات بخشوده، و قوانین و آیین واجب شده پروردگار می توان راه یافت.» (خطبه فدکیه)

یادآوری احادیث غدیر، منزلت و... : حضرت زهرا علیها السلام هر جا که لازم بود با یادآوری احادیث غدیر، منزلت و...، مغزهای خفته و انسان های فریب خورده را هدایت و بیدار می فرمود، و بارها فریاد برآورد که: «وَا عَجَبًا! أَسِیْتُمْ یَوْمَ غَدِیرِ خُمٍ؟ - شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟» (الانصاف فی النصّ علی الأئمة، سید هاشم بحرانی، ص ۴۱۱)

«أَسِیْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى - آیا فراموش کردید سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در روز غدیر خم که فرمود: هر کس من مولا و رهبر او هستم، علی علیه السلام مولای او است. و [آیا فراموش کردید که به علی علیه السلام] فرمود: یا علی! موقعیت تو نسبت به من همانند هارون به موسای پیغمبر است؟» (نهج الحیة، ص ۴۱، ح ۱۷)

ترسیم سیمای عصر جاهلیت : بی بی دو عالم فرمودند: « وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قَبْسَةَ الْعَجَلَانِ، ... - شما در عصر جاهلیت بر کناره پرتگاهی از آتش بودید؛ چون جرعه ای آب، خوراک هر کس بوده، لقمه هر طمع کننده و آتش زنه ای بودید، که فوراً خاموش می شدید. لگدکوب هر رونده ای بودید و نوشیدنی شما، آب گندیده، و خوردنی شما، پوست جانور و مردار بود. خوار و ذلیل بودید، و رانده شده، و می ترسیدید که مهاجران اطرافتان شما را بربایند، تا آنکه خدای بزرگ با دستان محمد صلی الله علیه و آله و سلم نجاتتان بخشید، پس از حوادث فراوانی که پدید آمد، و رنج ها و بلاهای زیادی که از دست شجاعان شما، گرگ های عرب، و از سرکشان اهل کتاب، کشید.» (بحار، ج ۲۹، ص ۲۲۳)

پاسخگویی به شبهات: «محمود بن لبید» می گوید: پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فاطمه علیها السلام را در کنار قبر حضرت حمزه در احد، در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: ... بانوی من! چرا امام علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت؟ حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي... - مثل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند، نه آنکه کعبه دور مردم طواف نماید.» (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳)

حضرت در جواب بهانه جویان که می گفتند: اگر علی علیه السلام زودتر شروع می کرد و برای مردم صحبت می نمود، مردم منحرف نمی شدند؟ این گونه فرمود: «فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِيرِ خُمٍ مِنْ حُجَّةٍ وَلَا عُذْرٍ - خداوند پس از غدیر خم، برای هیچ کس عذر و بهانه ای باقی نگذاشته است.» (نهج الحیة، ص ۵۲، ح ۱۸)

پس از ماجراهای تلخ مصیبت بار مدینه، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام همراه با همسر گرامی شان برای بیداری مردم، و دفاع از حقوق مسلم خویش، شبانه به منازل مهاجر و انصار رفته، اتمام حجت می کردند. خیلی ها عذر بدتر از گناه می آوردند که چرا شما زودتر از دیگران امامت خود را مطرح نکردید؟ و اجازه دادید دیگران به صحنه بیایند؟ حالا دیگر کاری از پیش نمی توان برد.

فاطمه زهرا علیها السلام در جواب عذرتراشی های آنها می فرمود: «مَا صَنَعَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ، وَلَقَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسِبُهُمْ وَطَالِيَهُمْ- ابوالحسن علی علیه السلام کاری انجام نداد، به جز آنکه سزاوار بود (مانند، انجام مراسم تدفین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جمع آوری قرآن) تا انجام گیرد، و اما امت پیمان شکن کارهای ناروایی انجام داده اند که تنها خداوند آنها را محاسبه و رسیدگی خواهد کرد.»

تبیین آثار بی بصیرتی و عدم اطاعت از ولایت : ام سلمه می گوید: «خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم و پرسیدم: ای دختر رسول خدا! حالتان چگونه است؟»

حضرت فرمودند: «صبح کردم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، در حالی که پیامبر از دست رفته، و وصی او مظلوم واقع شده است. سوگند به خدا! حشمت و عظمت آن کس دریده و نابود شد که بر خلاف حکم خدا در قرآن، و سنت و سفارش پیامبر اسلام در تأویل و تفسیر قرآن، حق امام او را غصب کردند و به دیگران سپردند. این گونه برخوردهای خصمانه، از کینه توزی های جنگ بدر و خونخواهی کشتگان شان در جنگ احد است که در درون قلب نفاق آمیز و اندیشه فتنه انگیزشان پنهان بوده است و تا کنون جرأت اظهار آن را نداشتند، تا در آن هنگام که حکومت الهی بازیچه دست قدرت طلبان گردید و امام به حق منزوی شد، آتش کینه های دیرینه شان زبانه کشید و باران مصیبت ها و مشکلات را بر ما فرو ریختند، و رشته های ایمان را دریدند و نسبت به وعده های الهی در حفظ و پاسداری از رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دفاع از پرهیزکاران و مؤمنان چه زشت عمل کردند؛ اما افسوس که در جهت انتقام گرفتن از پدران [مشرک و منافق] خود که در جنگ های اسلامی علیه اسلام جنگیدند و کشته شدند، به دنیا روی آوردند، و فریب دنیا را خوردند.» (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷).

تاکید بر تدبیر در قرآن: سرور زنان عالم فرمود: در حالی که کتاب خدا در میان شमाست، چرا بیراهه می روید؟ و مطالبش روشن، و احکام آن درخشان، و نشانه های هدایت آن آشکار، و نهی و هشدارهای آن روشن، و اوامر واضح است؛ اما شما به قرآن پشت کردید، و از آن روی گردان شدید. آیا به قرآن میل و رغبت دارید؟ یا دآوری جز قرآن می گیرید؟ (نهج الحیاة، ص ۱۴۰، ح ۶۱)

و استشهاد فرمود: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ»، مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أُشْرُتُمْ- آیا در قرآن تدبیر و تأمل نمی کنید؟ یا بر دلها تان مهر و قفل زده شده است [که سخن حق را نمی شنوید]؟ نه! بلکه اعمال سوء و کردار بد شما است که پرده بر دلها تان کشیده و گوش ها و چشم های شما را گرفته است! و چه بد تأویل و تفسیری از دین و آیین الهی کردید!»

افشاگری عالمانه: در یکی از روزهای غم بار پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دختر طلحه خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسید، از گریه ها و ناله های جان کاه آن حضرت سخت نگران شد و با شگفتی پرسید: فاطمه جان! چه چیزی شما را این گونه به گریه و زاری وا داشته است؟

حضرت علیها السلام پاسخ فرمود: «ای دختر طلحه! آیا از مصیبت و رویداد تلخی می پرسی که در همه جا انتشار یافته است؟ گویا بر پر مرغان نوشته و در جهان پراکنده شده است. گویا پیک های چابک سوار به سرعت آن را به تمام جهانیان ابلاغ کرده اند که گرد و غبار آن تا آسمان بالا رفته و تاریکی مصیبت آن زمین را فرا گرفته است.

از پست ترین قبائل عرب، (قبیله تیم) ابوبکر بن ابی قحافه، و از حيله بازترین قبایل عرب، (قبیله عدی) عمر بن الخطاب بر علی علیه السلام ستم روا داشتند، پرچم مسابقه برافراشتند تا بر علی علیه السلام پیشی بگیرند؛ چون موفق نشدند، بغض و کینه علی علیه السلام را در دل گرفتند؛ اما پنهان داشتند.

آن گاه که نور دین به خاموشی گرایید و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رحلت کرد، آن بغض ها و کینه ها را به زبان آوردند و بر مرکب آرزو سوار گشتند و ستم ها روا داشتند، [فدک را] غصب کردند. با شگفتی [به فدک] بنگرید، چه بسیار پادشاهانی که مالک سرزمین شدند، و هم اکنون اثری از آنها وجود ندارد! فدک هدیه الهی بود که به پیامبرش بخشید و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آن را برای تأمین زندگی فرزندانم به من سپرد. و اگذاری فدک [به من و فرزندانم] با حکم و علم خداوند بزرگ و شهادت و گواهی جبرئیل امین صورت گرفت، پس اگر [ابا بکر و عمر] آن را با ستم غصب کردند و وسیله زندگی فرزندانم را قطع نمودند، با یاد روز قیامت بر این مصیبت صبر می نمایم، و زود است که خورندگان اموال فدک، عذاب الهی را در دوزخ نظاره گر و در آن غوطه ور باشند.» (نهج الحیاء، ص ۲۹۴، ح ۱۷۳)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام از امت ساکت و بی تفاوت، و از ابوبکر و عمر، نزد پروردگار خود شکوه ها مطرح می کرد، و در حالی که **اشک های** او جاری بود، می فرمود: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَشْكُو فَقَدْ نَبِيَّكَ وَ رَسُولَكَ وَ صَفِيَّكَ وَ ارْتَدَادَ أُمَّتِهِ عَلَيْنَا وَ مَنْعَهُمْ إِيَّانَا حَقًّا الَّذِي جَعَلْتَهُ لَنَا فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ - پروردگار! **به سوی** تو شکایت می کنیم، در اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده ات و از ارتداد امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اینکه حق ما را از ما باز داشتند، همان حق [ولایت و رهبری] را که در قرآن کریم، که خود بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرمودی، قرار دادی.» (نهج الحیاء، ص ۲۱۳، ح ۱۱۶)

پس از آنکه برای ابو بکر بیعت گرفتند، و مردم سکوت و انزوا را برگزیدند، حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ قَطُّ حَضَرُوا أَسْوَأَ مَحْضَرٍ وَ تَرَكَوا نَبِيَّهُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم جِنَازَةً بَيْنَ أَظْهُرِنَا وَ اسْتَبَدُّوا بِالْأَمْرِ دُونَنَا؛ من هرگز روزی همانند امروز ندیدم که امت اسلامی زشت ترین صحنه ها را پدید آوردند؛ جنازه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در برابر ما وا گذاشتند و خودسرانه و مستبدانه دیگران را به جای ما نشانند.» (بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱)

فرمود: «وَلَيْكُم مَّا أَسْرَعَ مَا خَنَنُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ! وَ قَدْ أَوْصَاكُم رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله و سلم بِاتِّبَاعِنَا وَ مَوَدَّتِنَا وَ التَّمَسُّكِ بِنَا- وای بر شما! چه زود به خدا و پیامبرش درباره ما اهل بیت خیانت کردید! در صورتی که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به شما سفارش نمود تا از ما پیروی کنید، ما را دوست داشته باشید و دست از ما نکشید.» (نهج الحیاء، ح ۱۷۲)

سپس فرمود: «يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ انْصُرُوا اللَّهَ وَ آيَتَهُ نَبِيَّكُمْ، وَ قَدْ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَوْمَ بَايَعْتُمُوهُ أَنْ تَمْنَعُوهُ وَ دُرَيْتُهُ مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَ ذُرَارِيَكُمْ، فَقُوا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ بِبَيْعَتِكُمْ- ای جماعت مهاجرین و انصار! خدا و دختر پیامبرتان را یاری کنید. و به تحقیق شما با رسول خدا بیعت کردید که از پیامبر و فرزندانش دفاع کنید، همان گونه که از خود و فرزندان خودتان دفاع می کنید، پس بر بیعت خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استوار بمانید.» (بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۸۹، ح ۱۱)

نکوهش فریفتگان قدرت و ثروت که ساکت مانده اند: زهرای بتول (س) فرمود: «درحالی که شما در خوشی زندگی می کردید، در امنیت و رفاه منتظر فرصت بودید تا مگر روزگار بر ضد ما دگرگون شود، گوش به زنگ اخبار بودید، به هنگام کارزار فرار می کردید و عقب نشینی داشتید. و آن گاه که خدا برای پیامبرش خانه پیامبران، و آرامگاه اولیا را برگزید، خار و خاشاک نفاق در شما ظاهر شد، و جامه دین کهنه گردید، گمراهان ساکت به سخن درآمدند و آدم های پست و بی ارزش با قدر و منزلت شدند و شتر ناز پرورده اهل باطل به صدا درآمد، و وارد خانه های شما شد. و شیطان سر خویش از مخفیگاه به در آورد، شما را فراخواند، که پاسخگوی دعوت باطل او هستید، و برای فریب خوردن آمادگی دارید، خواست که بر ضد حق برخیزید، شما را آماده این کار یافت، و شما را گرم و آماده نمود، و دید که غضبناک شدید، پس بر غیر شتر خود داغ و نشان زدید، و بر آبی که حق شما نبود فرود آمدید، در حالی که هنوز از عهد و قرار شما (بیعت در غدیر خم، دو ماه قبل) چیزی نگذشته بود، و شکاف زخم عمیق بود، و دهانه زخم هنوز به هم نیامده، بهبود نیافته بود، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنوز دفن نشده بود که هر چه خواستید کردید، و بهانه آوردید که از فتنه می ترسیم. "أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ" (توبه / ۴۹) " فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ وَكَيْفَ بِكُمْ؟ " هشدار، که آنان خود به فتنه افتاده اند، و بی تردید جهنم بر کافران احاطه دارد. " پس از شما دور است و چگونه شده اید. (نهج الحیاة، ص ۱۰۹، ح ۵۷)

برخورد قاطعانه با سران فتنه: زهرای مرضیه (س) ابوبکر و عمر را به سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم توجه داد و فرمود: «نَسَدْتُكُمْ بِاللَّهِ أَلَمْ تَسْمَعَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ رَضَا فَاطِمَةً مِنْ رَضَائِي وَ سَخَطَ فَاطِمَةً مِنْ سَخَطِي وَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَرْضَى فَاطِمَةً فَقَدْ أَرْضَانِي وَ مَنْ أَسَخَطَ فَاطِمَةً فَقَدْ أَسَخَطَنِي قَالَا نَعَمْ سَمِعْنَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَتْ فَأَنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنْكُمَا أَسَخَطْتُمَانِي وَ مَا أَرْضَيْتُمَانِي وَ لَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ لَا أَشْكُوَنَّكُمْ إِلَيْهِ- شما را به خدا سوگند! آیا نشنیده اید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خشنودی فاطمه موجب خشنودی من است و خشم و غضب فاطمه خشم و غضب من. هر کس فاطمه را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته است و هر کس فاطمه را به خشم آورد مرا به خشم آورده است؟ ابوبکر و عمر پاسخ دادند: آری این کلمات را از پیامبر شنیده ایم. حضرت زهرا علیها السلام [پس از اعتراف آن دو نفر] فرمود: خدا و ملائکه را به شهادت می طلبم که شما دو نفر مرا به خشم آوردید [و آزردید] و موجبات خشنودی مرا فراهم نکردید. اگر با پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ملاقات کنم، شکایت شما را نزد پدرم خواهم برد.»

فرمود: «وَاللَّهِ لَا أَكْلُمُكُمْ مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً وَاحِدَةً حَتَّى أَلْقَى أَبِي وَ أَشْكُوَكُمْ إِلَيْهِ وَ أَشْكُو صُنْعَكُمْ وَ فِعَالَكُمْ وَ مَا ارْتَكَبْتُمَا مِنِّي - سوگند به خدا! بعد از این با شما دو نفر حتی یک کلمه نیز سخن نمی گویم، تا با پدرم ملاقات کنم و شکایت شما دو نفر را به او ببرم، و [توضیح خواهم داد که] شما چه ساختید و چه کردید و درباره من مرتکب شدید.» (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۳، باب ۷)

دفاع از امام در برابر مهاجمان: فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمَكْدُبُونَ مَاذَا تَقُولُونَ وَ أَيْ شَيْءٍ تُرِيدُونَ؟ يَا عُمَرُ! أَمَا تَتَّقِي اللَّهَ؟ تَدْخُلُ عَلَى بَيْتِي؟ أَمْ يَحْزِبُ الشَّيْطَانُ تُخَوِّفُنِي يَا عُمَرُ وَ كَانَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ضَعِيفًا. وَ يَحْكُمُ يَا عُمَرُ مَا هَذِهِ الْجُرْأَةُ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ تُرِيدُ أَنْ تَقْطَعَ نَسْلَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ تُفْنِيَهُ وَ تُطْفِئَ نُورَ اللَّهِ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ- شما ای گمراهان و دروغگویان! چه می گوئید و چه می خواهید؟ ای عمر! آیا از خدا پروا نداری؟ می خواهی وارد خانه من شوی؟ آیا با حزب شیطان مرا می ترسانی! در حالی که حزب شیطان ناتوان است؟ وای بر تو! این چه جرأت و جسارتی است که بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او داری؟ آیا می خواهی دودمان پیامبر را نابود و نور خدا را خاموش کنی؟ آگاه باش که خداوند نور خود را فروزان و جاودانه نگه می دارد.» (نهج الحیاء، ح ۶۴)

آن گاه که امام را مظلومانه و با ستم به مسجد بردند، حضرت زهرا علیه السلام وارد مسجد شد و فرمود: «خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِّی فَوَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَئِنْ لَمْ تُخَلُّوا عَنْهُ لَأَنْشُرَنَّ شَعْرِی وَ لَأَضَعَنَّ قَمِیصَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَلَى رَأْسِی وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَمَا نَاقَهُ صَالِحٌ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنِّی وَ لَا الْفَصِيلَ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ وَلَدِی - رها کنید پسر عموی مرا! قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق برانگیخت! اگر از علی دست برندارید، گیسوان خود را پریشان کرده، و پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر سر افکنده و در برابر خدا فریاد خواهم زد، یقین بدانید که ناقه صالح در نزد خدا از من گرامی تر و بچه آن ناقه نیز از فرزندان من قدر و قیمتش زیادتر نبود.» (نهج الحیاء، ح ۷۰)

ریحانه حضرت رسول در بستر شهادت : پس از حادثه آتش زدن خانه فاطمه زهراء (س)، آن بانوی بزرگ اسلام، دچار مریضی شدیدی شدند که چهل روز ادامه داشت.

دیدم آتش را ولی در را نمی دانم چه شد؟! خورد شد پهلوی ولی پر را نمی دانم چه شد؟!
پای ضارب بشکند وقتی که در را باز کرد طفل رفت از دست، مادر را نمی دانم چه شد؟!
وقتی که شهادت خود را نزدیک دید، به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمود: ای پسر عمو! از آسمان خبر رحلت من رسیده من در حال سفر آخرتم بعد وصیت هایی کرد. از جمله فرمود «أَوْصِيكَ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جَنَازَتِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ظَلَمُونِي وَ أَخَذُوا حَقِّي فَإِنَّهُمْ عَدَوِي وَ عَدُوُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ لَا تَتْرُكْ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ لَا مِنْ أَتْبَاعِهِمْ وَ ادْفِنِي فِي اللَّيْلِ إِذَا هَذَاتِ الْعُيُونُ وَ نَامَتِ الْأَبْصَارُ- وصیت می کنم که هیچ کس از آنان که به من ظلم کرده و حق مرا غصب نموده اند، نباید در تشییع جنازه من شرکت کنند؛ زیرا آنها دشمنان من و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشند و اجازه نده که فردی از آنها و پیروانشان بر من نماز بگذارد. مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم ها آرام گرفته و دیده ها به خواب فرو رفته باشند.» (جلاء العیون ص ۱۲۲)

فاطمه در اصل حیدر بود و حیدر فاطمه فاطمه جان داد حیدر را نمی دانم چه شد؟!

روز آخر عمر حضرت فاطمه (س) بود که به اسماء فرمود: جبرئیل برای رسول خدا (ص) از بهشت، کافوری آورد. پدرم آنرا سه قسمت کرد. يك قسمت برای خودش و يك قسمت برای من و يك قسمت هم برای علی (ع). اکنون آن را که در فلان جا است برایم بیاور! بعد فرمود: من این پارچه را بروی خود می کشم. توساعتی صبر کن! بعد بیا و مرا صدا بزن! اگر دیدی جوابت را نگفتم، بدان که من از دنیا رفته ام و به پدر و مادرم ملحق گشته ام. اسماء ساعتی صبر کرد و سپس بر بالین فاطمه (س) رفت و صدازد: ای

دختر مصطفیٰ! ای دختر آن کسی که زنان بهتر از او را حمل نکردند! ای دختر آن کسی که بهتر از او قدم بر روی خاک گذاشت! ای دختر آن کسی که مقام قاب قوسین او ادنیٰ را داشت! ولی جواب نشنید دست دراز کرد و پیرچه را از روی صورت فاطمه (س) برداشت و مشاهده کرد که حضرت از دنیا رفته است. خود را روی بدن حضرت انداخت و مشغول سوگواری شد که ناگاه در خانه باز شد و حسن ۷ ساله و حسین ۶ ساله وارد شدند. وقتی دیدند مادرشان خوابیده است از روی تعجب گفتند: ای اسماء! چرا مادرمان در این وقت خوابیده است؟ جواب داد: ای فرزندان رسول خدا! مادر تان خوابیده بلکه از دنیا مفارقت کرده است! حسن (ع) که این جمله را شنید، خود را بر روی بدن مادر انداخت و صورتش را می بوسید و می گفت: ای مادر! قبل از اینکه جان از بدنم بیرون رود بامن سخن بگو! حسین (ع) هم پاهای مادر را می بوسید و گفت: ای مادر! من فرزندت حسین هستم. قبل از اینکه قلبم شکافته شود و مرگم فرارسد، بامن حرف بزن!

زد حسین از داغ مادر بر سرش اما چه سود بعدها در کربلا سر را نمی دانم چه شد؟!

امّ کلثوم نزد قبر رسول خدا (ص) رفت و گفت: پدر جان! ای رسول خدا! امروز مصیبت تو بر ما تازه شد و امروز تو از دنیارفتی! و دختر خود را با خود بردی. مردم در مقابل خانه حضرت جمع شده و گریه می کردند و منتظر تشییع جنازه بودند. در این موقع ابوذر بیرون آمد و گفت: تشییع جنازه امروز به تأخیر افتاده است. «جلاء العیون ص ۱۲۲» نقل شده است که در هنگام غسل دادن بدن مقدّس فاطمه (س)، اسماء آب می ریخت و علی (ع) از زیر لباس، غسل می داد. ناگاه علی (ع) دست از غسل کشید و سر به دیوار گذاشت و های های شروع به گریه کردن نمود. اسماء گفت: شما خود به بچه ها سفارش نمودید که در حضور دیگران، خوددار باشند و بی تابی نکنند. چرا خودتان بی تاب شده اید؟ فرمود: در حین غسل، دستم به محل شکستگی پهلوی فاطمه رسید و نتوانستم خودداری بکنم.

وقتی که شب شد، علی (ع)، حسن (ع)، عمار، ابوذر، سلمان و گروهی از بنی هاشم، بر بدن فاطمه (س) نماز خواندند و غریبان را تشییع و سپس دفن کردند. در اطراف قبر او هفت قبر دیگر ساختند تا محل قبرش مخفی باشد و از طرف دشمنان مورد هتک حرمت قرار نگیرد! آمده است وقتی علی (ع) از کفن کردن فاطمه (س) فارغ شد، فرزندان زهراء و همچنین فضّه، خادمه آن بانو را صدا زد تا برای آخرین بار فاطمه (س) را ببینند و با او وداع نمایند. فرمود: ای زینب! ای سکینه! ای فضّه! ای حسن! ای حسین! بیایید و برای آخرین بار از مادر تان فاطمه (س) توشه بر گیرید که دیدار بعدی در بهشت است.

مرگ من از فشار در و دیوار خانه نیست این غصه می کشد که غریب است شوهرم

به دستی که بستن، به یاسی که پژمرد چقدر ذوالفقار علی خون دل خورد

نه دستار زردی، نه همدم نه یاری غم و درد حیدر، عجب روزگاری

السلام علیکم یا اهل بیت النبوه